

مفهوم و ماهیت مجازات

مؤلف:

دیوید شیکر

ترجمه و تحقیق

دکتر حسین آقائی جنت مکان

عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران

۱۳۸۹

مفهوم و ماهیت مجازات.

مترجم: حسین آقایی جنت مکان

اعضای شورای کمیسیون تخصصی علوم انسانی، اجتماعی و هنر: دکتریداله مهرعلیزاده، دکتر پروانه شفیعی نیا، دکتر مینا شمخی، دکتر مسعود نیک بخت، دکتر عبدالحسین رضایی راد، دکتر علی حسین حسین زاده، دکتر علی موحد، دکتر زاهد بیگدلی، دکتر نصراله امامی، دکتر بهمن حاجی پور.

ویراستار علمی: دکتر منصور عطاسته

ویراستار ادبی: دکتر اسماعیل عبدا... زاده.

ناشر: دانشگاه شهید حرمان اهواز.

جاب اول: ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی جاب و صحافی: اداره جاب و انتشارات دانشگاه شهید حرمان اهواز.

سرشناسه	شیکر، دیوید Shlicher, David
عنوان و نام پدیدآور	مفهوم و ماهیت مجازات/ دیوید شیکر؛ مترجم حسین آقایی جنت مکان.
مشخصات نشر	اهواز: دانشگاه شهید حرمان، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	ش، ۲۴۲ ص.
فروست	انتشارات دانشگاه شهید حرمان: ۴۸۵.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۴۱-۰۱۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	قیما
یادداشت	عنوان اصلی: The meaning and nature of punishment, ©2006.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	عدالت کیفری
موضوع	مجازات -- فلسفه
سناسه افزوده	آقایی جنت مکان، حسین، ۱۳۴۲ -، مترجم
سناسه افزوده	دانشگاه شهید حرمان اهواز
رده بندی کنگره	۱۳۸۹ ۹م ۷ ن/ HV ۷۴۱۹
رده بندی دیویی	۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	۲۱۵۵۸۹۹

محل های فروش کتاب

اهواز: گلستان - شهر دانشگاهی - کتابفروشی دانشگاه شهید حرمان اهواز.

تلفاکس: ۰۶۱۱-۳۳۳۱۰۷۲

تهران: خ. کارگر شمالی، خ. نصرت، خ. دکتر قریب نرسیده به خ. فرست، پلاک ۱۱ - مؤسسه کتابیران

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۶۵۱۰-۱۵

قیمت: ۶۰/۰۰۰

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مقدمه‌ی مؤلف

نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و عقاید متعارضی پیرامون قوانین و عرف‌هایی وجود دارد که زندگی روزانه را در یک جامعه تنظیم می‌نمایند و درمورد این که چگونه درک کنیم و برخورد کنیم با کسانی که معیارهای مورد قبول [جامعه] را نقض می‌کنند. مجازات رسمی افراد به عنوان یک واکنش سازمان یافته نسبت به قانون شکنان مسائل زیادی را باعث می‌شود و بحث‌های جدی در خصوص مبانی، اهداف، کارکردهای اجتماعی و شیوه‌های واکنش جامعه نسبت به تخلفات مطرح می‌گردد.

نظریه‌ی قرارداد اجتماعی که توسط متفکران عصرروشن گری مطرح گردید، عقیده دارد که قوانین نتیجه‌ی اجماع عمومی اعضای جامعه هستند. مطابق با این دیدگاه آرمانی، قوانین نماینده‌ی ارزش‌های اصلی تمامی جامعه می‌باشند. هرکس، باید آنان را مد نظر قرار دهد و از آن‌ها پیروی نماید. اما درواقع، قوانین مستمراً ازسوی بسیاری ازاعضاء جامعه نادیده گرفته شده و نقض می‌شوند. مجازات وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی است، هدف مجازات وارد کردن میزانی از درد برای کسانی است که قانون را نقض می‌کنند و به دیگران صدمه وارد می‌سازند.

مجازات یک عضو جامعه باعث طرح مسائل اخلاقی و معنوی مهمی می‌شود. مجازات هم چنین باعث طرح مسائلی در مورد موضوعات اجتماعی نظیر تساوی و تبعیض می‌گردد. مجازات که دریک جامعه مرفعی یک نشانه‌ی مثبت است، موضوع پردردسری نیز به شمار می‌رود. این مسأله که جوامع در مورد مجازات احساس ناراحتی می‌کنند، امرمطلوبی است، چنان چه مردم مجازات را به جای آن که یک واقع مطلوب بدانند یک بد ضروری تلقی می‌کنند..... جامعه‌ای که در مورد زندانی کردن

ده‌ها هزار نفر تحت شرایط طاقت فرسا از نظر احساس اخلاقی برانگیخته نمی‌شود، نسبت به آزادی یک تعهد مبهم دارد.

باینکه می‌پذیریم که مجازات به منظور حفظ میزانی از نظم اجتماعی لازم است، وزیر سابق دادگستری اسرائیل و قاضی دیوان عالی این کشور، هیم کوهن (۱۹۹۱) دیدگاه بد بینانه‌ای را در مورد فرآیند کیفری بیان داشته است. او مجازات را به شرح زیر توضیح داده است

مملو از بسیاری از بی عدالتی‌ها..... بسیاری از عدم قطعیت‌ها و خطرناکی، به طوری که ادعای ما در خصوص اجرای عدالت (با محروم کردن مجرمان از حقوق بشرینادی) کاملاً غیر اخلاقی است. من متأسفم که بدترین چیز در مورد اقدام غیر اخلاقی فوق‌این است که نمی‌تواند با خلاقیت انسانی جبران گردد.

این عقیده از سوی بسیاری کاملاً پذیرفته نشده، اما شنیدن آن از چنین مقام عالی رتبه قضایی جای تعجب دارد و مورد ایراد است و پیچیدگی مسأله‌ی مجازات را نشان می‌دهد.

در این کتاب مجازات به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی مهم، ماهیت قانونی و تأثیرات فرهنگی که آن را شکل می‌دهند، به طور اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد. ما به مبانی، اهداف و کارکردهای مجازات، علاوه بر سیاست‌های کیفری که برای رسیدن به اهداف مجازاتی خاص اجرا می‌شوند، نظر خواهیم کرد. این کتاب معماهایی را برجسته می‌کند: عدالت در مقابل فایده گرایی، جامعیت در مقابل اختصاصیت و اجماع در مقابل تعارض.

مباحث نظری و مبانی مجازات، ارزش‌های جامعه‌ی در رابطه با عدالت، حقوق بشر، برابری اجتماعی و روابط بین دولت و شهروندان را مشخص می‌سازد. این کتاب هم چنین به منابع تاریخی و ریشه‌های نظریه‌های مختلف کیفری، سیاست‌های کیفری و برنامه‌های عملی اشاره خواهد کرد.

مقدمه‌ی مترجم

..... عمل همواره در پی نظر می‌آید، هر چند با آهستگی و گام به گام

بن‌زمن کنستان

ضمانت اجراهای کیفری، علی‌الخصوص مجازات، حاصل جمع همه‌ی تلاش‌های کیفری نهادهای عدالت قضایی است. مهم‌ترین کارکرد قوانین کیفری تعیین مجازات برای اعمال ممنوعه می‌باشد. مجازات واکنشی جامعوی نسبت به عملی است که به کل جامعه صدمه می‌زند. مجازات شیوه‌ای است که متضمن ورود درد یا رنج حساب شده به دیگری است، چیزی که ما در شرایط و اوضاع و احوال عادی آن را از نظر اخلاقی ممنوع می‌دانیم. به همین دلیل، باعث طرح مسائل مختلف اخلاقی و معنوی می‌گردد. طبیعت پیچیده‌ی مجازات به ویژه در کشورهای غربی یک مسأله‌ی فلسفی و عملی مهم محسوب می‌گردد به طوری که از آن در ادبیات کیفر شناسی به عنوان معما یاد می‌شود. مجازات یک پدیده مجرد و انشعابی نیست، بلکه مجازات یکی از جلوه‌های سیاست جنایی هر کشوری است که خود نیز تابعی از سیاست عمومی و کلی هر کشور محسوب می‌گردد.

در طول تاریخ بشری دو سؤال همیشه ذهن مردم و به ویژه فلاسفه، اخلاقیون، حقوق دانان، جامعه شناسان، انسان شناسان، سیاست مداران و جرم شناسان را به خود مشغول داشته است، و تاکنون نیز پاسخ صریح و روشنی به آن‌ها داده نشده است. سؤال نخست این است که چرا مجازات؟ و سؤال دوم این است که چگونه مجازات؟ سؤال نخست به فلسفه‌ی مجازات‌ها اشاره دارد و سؤال دوم به شیوه‌ها و روش‌های اعمال مجازات می‌پردازد. هرچند این دو مسأله از هم قابل تفکیک می‌باشند، لکن، دو مسأله‌ی کاملاً مرتبط با هم هستند.

جامعه باید مجازات‌هایی که قصد تحمیل آن‌ها را دارد، توجیه نماید؛ زیرا مجازات متضمن دخالت دولت در وارد کردن عمدی درد ورنج یا محرومیت می‌باشد. پاسخ‌های متفاوتی تاکنون به این پرسش‌ها داده شده است. برخی در پاسخ به این سوال که چه دلیلی برای سلب آزادی انسان‌ها، به عنوان یک نوع مجازات وجود دارد. به نظریه آزادی مثبت، برای موجه جلوه دان تحذیر انسان‌ها و وارد کردن فشار بر آن‌ها متوسل می‌شوند. توجیه این اقدام آن است که، فقط از طریق پشتیبانی و حمایت کردن از اشخاص، در برابر صدماتی که خود بر خویشان وارد می‌کنند، می‌توان آن‌ها را در دستیابی به آزادی حقیقی یاری داد.

فلاسفای نظریه‌ها، جان لاک و روسو مبنای کیفر را قرارداد اجتماعی می‌دانند.^۱ که فرد با نقض آن، به دولت اجازه می‌دهد وی را مجازات نماید. برخی نیز حق مجازات جامعه را همان نفع اجتماعی آن یعنی حفظ نظم توجیه کرده اند.^۲

سایر فیلسوفان گوشیده اند تا مجازات افراد به دست دولت‌ها را براساس چهار اصل بنیادین توجیه کنند. اصول این توجیهات عبارتند از: (۱) مجازات به عنوان عامل تلافی؛ (۲) مجازات به عنوان عامل بازدارنده؛ (۳) مجازات به عنوان راه حمایت از جامعه و (۴) مجازات به عنوان راه اصلاح شخص مجازات شده.^۳

قدیمی‌ترین و سستی‌ترین مبنای مجازات سزادهی است. سزادهی یک هدف غیر قابل انکار مجازات‌ها است. دیدگاه سزادهی برایین می‌استوار است که هرکس مرتکب جرم شود، باید مجازات گردد و این مجازات استحقاق وی در برابر قانون شکنی است. خواه این مجازات سودی برای مرتکب جرم یا جامعه داشته باشد، خواه نداشته باشد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه مجازات باید این‌گونه دار جرم باشد. هر چند این دیدگاه عدم استحقاق افراد را در موارد استثنایی نظیر جنون یا بیماری حاد روانی از نظر دور نداشته

۱ - برادل، ژان. تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. انتشارات دانشگاه بهشتی. ص ۳۲.

۲ - آفای، مجید. مکاتب کیفری. انتشارات خرسندی. ۱۳۸۶. ص ۱۶۰.

۳ - واریتون، نیگل. مسائل فلسفه سیاسی معاصر و نقدی بر آنها (ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی). مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۱۶۵-۱۶۶. سال ۱۳۸۰.

است، لکن، معتقد است که مجازات پاسخ به یک عمل خلاف قانون است. و ماهیت جرم ارتكابی نیز براساس شدت و سختی مجازات تعیین می‌شود. معروف ترین عبارت مبنایی برای مجازات در اصطلاح حقوق روم، حقوق مقابله به مثل (lex talionis) نامیده می‌شود- چشم در مقابل چشم و دندان در مقابل دندان. این مبنا ابتدا در قوانین حمورابی و سپس در تورات و انجیل و سرانجام در قرآن وارد شده است. این دیدگاه از توجیه بسیاری از مجازات‌ها ناتوان است. برای مثال، چنان چه شخصی مرتکب آدم ربایی گردد چگونه می‌توان وی را به مجازات برابر محکوم کرد.

معروف ترین دانشمند طرفدار این اندیشه، امانوئل کانت فیلسوف آلمانی است. وی معتقد است کسی که جرمی را مرتکب می‌شود باید مجازات شود؛ زیرا او به دلایل اخلاقی مستحق مجازات است. تلافی جویی یکی از اصول کیفری مکتب کلاسیک (classic school) جرم شناسی است. پیروان این مکتب معتقدند سزادهی، به عنوان یکی از مبنای مجازات، براساس عقلانیت انسان استوار است. اصل عدالت صرف (just desert) یک مفهوم اساسی تلافی جویی است که براساس آن افراد باید آن چه را استحقاق دارند، مجازات شوند. براساس شدت صدمه‌ای که وارد کرده اند.

مبنای مهم دیگر در توجیه مجازات، بازدارندگی است. از این روی کرد برخی تحت عنوان روی کرد سودمندی مجازات یاد می‌کنند. اصل اساسی این روی کرد بازدارندگی مجازات است. بازدارندگی براین اصل استوار است که مجازات به معنای وارد کردن درد غیر قابل توجیه است، مگر آن که بتوان نشان داد که رفتار خوب احتمالاً از تحمیل مجازات به جای خودداری کردن از آن حاصل می‌شود.

پیشگیری، یک مفهوم اساسی در روی کرد بازدارندگی نسبت به مجازات است. از حیث زمانی قانون اصلی این مدل مجازات، برآینده متمرکز است. بازدارندگی یک اصل فایده گرا است. فایده گرایی به عنوان یک بینش فلسفی، به درستی و مبنای یک عمل، مطابق با فایده مورد انتظار از آن می‌نگرد. این بینش فکری نیز به شدت تحت تاثیر دوره ی روشنگری بوده است. بنام پدر مکتب فلسفی فایده گرایی، بازدارندگی را به عنوان مبنای اصلی مجازات روشن ساخت و خصیصه‌ی اصلی مجازات را : تحقق بیش ترین خوشی برای بیش ترین تعداد از افراد جامعه می‌داند.

یکی دیگر از مبانی مهم مجازات توان گیری (incapacitation) است. توان گیری را منزوی کردن یک مجرم در جامعه بزرگتر، از طریق بازداشتن او از ارتکاب جرم در آن جامعه تعریف کرده اند. در نوشتگان علوم جنایی پارسی، توان گیری را در دو معنا به کار گرفته اند: یکی به معنای ناتوان سازی (خشی کردن) و دیگری به معنای سلب صلاحیت می باشد.

توان گیری ساده ترین و ملموس ترین شکل اجرای مجازات می باشد. این شکل از مجازات همانند نظریه بازدارندگی برآینده تاکید دارد. هدف این بینش کیفری پیش گیری از جرایم درآینده است. این بینش در هدف و جهت گیری شبیه به بازدارندگی خاص است؛ زیرا به سوی مجرمان خاصی سوق پیدا می کند.

سادگی توان گیری منجر به پذیرش وسیع آن به عنوان یک سیاست کیفری از دهه ۱۹۷۰ گردیده است. توان گیری به لحاظ معمولی و عینی بودن آن مورد توجه قانون گذاران، مقامات دولتی، سیاست مداران و افکار عمومی قرار گرفته است. همان گونه که فرانکلین زیمرینگ و گوردن هاو کینز اظهار می دارند: هدف توان گیری بر خلاف بازدارندگی و باز پروری کنترل مجرمان است. استفاده بیش از حد از توان گیری به عنوان یک سیاست کیفری عمده در دهه ی آخر قرن بیستم به بروز مشکلاتی نظیر رشد سریع جمعیت کیفری، هزینه های سنگین ساخت موسسات اصلاح و تربیت و وخامت شرایط زندانیان در ایالات متحده ی آمریکا منجر شد.

تحت تاثیر اندیشه های عصر روشنگری، ایدئولوژی کیفری باز پروری به تدریج به یک اصل مهم در برخورد با مجرمان و متخلفان از نیمه دوم قرن نوزدهم تبدیل گردید. به طور کلی، نظریه باز پروری بر این فرض استوار است که موفقیت در ایجاد تغییر در نگرش، به ایجاد تغییرات مثبت رفتاری نیز منجر خواهد شد. نظریه باز پروری و اصلاح مجرم بر ارزش های حقوق بین الملل بشر دوستانه و حقوق بشر تاکید دارد و از کنار گذاشتن اشکال جدید مجازات جسمی حمایت می کند. هر چند نظریه اصلاح و باز پروری مجرم در روزگار باستان ریشه دارد، با این حال تحولات علم پزشکی و نفوذ روان شناسی و روانکاوی به پیشرفت نظریه باز پروری به عنوان یک مسأله بشر دوستانه و به عنوان نشانه ای از مدرنیته و ترقی خواهی کمک کرد. با پیشرفت نظریه باز پروری،

مجازات مجرمان عمدتاً از مجازات بدنی که در جلو دیدگان مردم اجرا می‌شد، به سمت تغییر باورهای روحی و روانی تحول پیدا کرد.

تغییر در رفتار مجرمان و تبدیل آنان به شهروندان مطیع قانون، یک مفهوم اساسی در اندیشه بازپروری است. نتیجتاً، نظریه اصلاح و بازپروری آینده نگر است و خصیصه نفع گرایی دارد. این نوع نگاه نسبت به رفتارهای جنایی، به طرح مجازات‌های نامعین منجر گردید، باین استدلال که بازپروری و اصلاح اشخاص متفاوت دوره‌های زمانی مختلف را اقتضاء دارد. علی رغم کاستن از اهمیت نظریه بازپروری از دهه ۱۹۷۰، بسیاری از ایده‌های اصلی بازپروری هنوز در حال رشد هستند. این نظریه، ریشه در فرهنگ غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا دارد.

نظریه ی بازسازی گاری در طول دهه ی ۱۹۶۰ و ابتدای ۱۹۷۰ به یک موضوع پرطرفدار تبدیل گردید. این مفهوم که با اندیشه ی بازپروری مربوط است، بر کمک به مجرمان برای یادگیری شیوه‌های زندگی و کاوکردن مسالمت آمیز در جامعه تاکید دارد. فلسفه ی بازسازی گاری مدعی است که باید تلاش شود تا گرایش‌های حاکم در جامعه به سمت مجرمانی که قبلاً برای جرایم خود مجازات گردیده اند، تغییر کند. طرفداران بازسازی گاری ادعا می‌کنند که هدف اصلی نظام عدالت کیفری نباید مجازات باشد، به جای مجازات باید به وارد کردن مجرمان در جامعه توجه شود. به منظور تسهیل بازسازی گاری مجدد مجرمان به عنوان اعضاء سازگار و مولد جامعه، نگرش مردم و هم چنین الگوهای اجتماعی که به تولید رفتار جنایی مستمر کمک می‌کند، نسبت به آن‌ها باید تغییر کند.

یکی دیگر از مبانی مهم مجازات که در ادبیات تخصصی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، حفظ روحیه ی پیروان قانون است. این مبنا که یک مولفه قویاً کارکردگرا دارد از اندیشه ی دورکیم در مورد کارکردهای اجتماعی مجازات الهام گرفته است. افراد مطیع قانون باید باور داشته باشند که قوانین اجرا خواهند شد و قانون شکنان به سزای اعمال خود خواهند رسید. این امر منجر به همبستگی شهروندان مطیع قانون با هم علیه ناقضان قانون خواهد بود.

در سال‌های اخیر تغییرات عمده‌ای در سیاست‌ها و برنامه‌های کیفری به عمل آمده است. این تغییرات در دو سطح نظری و عملی صورت گرفته است. اندیشه‌ی بازپروری که از عصر ترقی و پیشرفت حاکم شده بود، از سوی سیاست‌مداران، محافل دانشگاهی، سیاست‌گذاران و بخش‌های زیادی از افکار عمومی در طول دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مورد انتقاد شدید قرار گرفت. رادیکال‌ها نارضایتی خود را نسبت به سیاست‌های کیفری مبتنی بر اصول بازپروری اعلام داشتند؛ زیرا آن‌ها را بسیار نرم و ملایم می‌دانستند. ریچارد کوینی در انتقادات خود از نظریه بازپروری آورده است: نظریه بازپروری بسیاری از روبه‌های سرکوبگر را تحت نام اصلاحات لیبرالی و فردی ساختن بر خورده ایجاد می‌کند....

جرم‌شناسان رادیکال نیز روی کردهای سستی را مورد انتقاد قرار داده‌اند. محافظه‌کاران و دست‌اندرکاران سیاست «قانون و نظم» نیز ادعا می‌کنند که سیاست‌های بازپروری نرخ جرم و ترس مردم از جرم را کاهش نمی‌دهد. طرفداران حقوق بزه‌دیدگان نیز صرف نظر از جهت‌گیری ایدئولوژیکی‌شان، سیاست‌های بازپروری را مورد انتقاد قرار داده‌اند و مدعی هستند که توجه اصلی باید برای کمک به بزه‌دیدگان متمرکز باشد تا مرتکبان جرم.

یکی از بینش‌های کیفری که از دهه‌ی ۱۹۷۰ به عنوان نقطه‌ی تقابل سوء استفاده‌های ظاهری که از نظریه‌ی بازپروری (ادعای لیبرال‌ها) و برخورد ملایم (ادعای محافظه‌کاران) می‌گرفت، ارتقاء پیدا کرد، رویکرد نئوسزاده‌ی بود. این رویکرد که گاهی از آن به عنوان نظریه‌ی عدالت (Justice Model) یاد می‌شود، تا حدود زیادی بازگشت به اندیشه‌های بکارایا و مکتب کلاسیک جرم‌شناسی است.

ویژگی اصلی نظریه‌ی عدالت این است که معیار تعیین شدت مجازات، اهمیت جرم می‌باشد - که بر مبنای صدمه‌ی وارده تعیین می‌شود. طرفداران این دیدگاه عقیده دارند که تعیین میزان مجازات بر اساس میزان صدمه‌ی وارده تنها راه تعیین مجازات عادلانه می‌باشد. طرفداران بینش کیفری نئوسزاده‌ی مخالف سیاست تعیین مجازات‌های نامعین هستند. آندروفن هیرش (۱۹۷۶) یکی از ویژگی‌های بارز این بینش را تعیین مجازات بر اساس رفتار جنایی گذشته می‌داند.

ورود ره یافت نو فایده گرایی درسیاست‌های کیفری، به معنای پذیرش مدل کنترل جرم و کنار گذاشتن مدل تشریفات قانونی است که در اوج نظریه ی بازپروری مورد توجه بوده است. هرچند هر دو مدل تشریفات قانونی و مدل کنترل جرم، بر کنترل جرم تاکید دارند، لکن، این دو مدل بر نظام ارزشی متفاوتی تاکید دارند. مدل کنترل جرم بیش تر مورد حمایت محافظه کاران و مدل تشریفات قانونی از سوی لیبرال‌ها حمایت می‌گردد.

توان گیری گزینشی (selective incapacitation) مبنای مهم دیگر سیاست‌های کیفری است. نظریات و تحقیقات نشان داده است که تعداد نسبتاً کمی از مجرمان سرسخت در قبال تعداد زیادی از جرایم مسئول شناخته می‌شوند. در تحقیقاتی که در آمریکا از آمار پلیس صورت گرفت نشان داد که تنها گروه نسبتاً کوچک، حدود ۶/۳٪ در قبال بالغ بر ۵۰٪ جرایم ارتكابی از سوی کل گروه مسئول شناخته می‌شوند.

یکی از تحولات اخیر در زمینه کیفر شناسی توجه به روی کرد عدالت ترمیمی است. عدالت ترمیمی که شباهت زیادی را به اندیشه‌های بازپروری نشان می‌دهد، به دنبال معرفی شیوه‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در نظام کیفری به جای مدل خصمانه فعلی می‌باشد. عدالت ترمیمی جرایم را به عنوان تجاوز و تعدی نسبت به مردم می‌داند، نه تجاوز نسبت به دولت.

عدالت ترمیمی ریشه در دوران باستان دارد. در دوران قرون وسطی نیز شیوه‌های داوری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات رایج بوده است. لکن با تشکیل دولت مدرن و تلقی کردن جرم به عنوان اقدامی علیه دولت، عدالت کیفری و شیوه‌های اعمال آن از دست افراد گرفته شد و یک سره در اختیار نمایندگان دولت قرار گرفت.

در دهه ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ علاقه به گسترش شیوه‌های حل و فصل اختلافات خارج از نظام عدالت کیفری مجدداً احیا شد. مبنای نظری عدالت ترمیمی، خصوصی سازی جرم می‌باشد. عدالت ترمیمی روی کرد اصلاح و بازپروری را که در ربع آخر قرن بیست از اهمیت آن کاسته شده بود، زنده کرد. فلسفه ی عدالت ترمیمی توجه به جبران خسارت بزه دیدگان و جامعه از یک طرف، و تلاش در جهت افزایش توانایی

بزهکاران برای فعالیت در یک جامعه آزاد از طرف دیگر، می‌باشد. باوجوداین، اجرای عدالت ترمیمی در جوامع ناهمگن و پیچیده با مشکلاتی روبرو می‌شود.

در سال‌های اخیر رویکرد دیگری شکل گرفته و جانشین رویکرد مجازات گردیده، که رویکرد مدیریت خطر نام دارد. این رویکرد به خطرات ناشی از پیشرفت فناوری و صنعتی شدن و مدرنیزه شدن تأکید دارد. سرعت و رشد بی‌سابقه‌ی پیشرفت‌های فناوری، تغییرات مهم اقتصادی، اجتماعی را با خود به همراه آورده است. و بسیاری از خطرانی را که قبلاً ناشناخته یا مغفول مانده بودند، ایجاد کرده است. هدف اصلی کنترل خطر، کاهش فرصت‌ها برای مجرمان احتمالی است که باعث آسیب می‌شوند و به خاطر بازداشت و مجازات شدن، خطر ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند. یکی از پیامدهای کیفرشناسی مدیریت خطر، تأکید بر توان‌گیری است.

باتوجه به ناکارآمدی بیش‌تر نظریه‌ها و سیاست‌های کیفری در زمینه کاهش یا ثابت نگه داشتن نرخ جرم، به ویژه در سال‌های آخر قرن بیستم، و حتی سال‌های آغازین قرن بیست و یکم سیاست کیفری شدیدتری در مبارزه با جرم درپیش گرفته شده است. برخورد سخت‌گیرانه با جرم (getting tough on crime) در آمریکا و سیاست‌های (zero tolerance) در انگلستان در پی شعار معروف «هیچ چیز کارایی ندارد» اتخاذ شده است.

مسائل مهم دیگری وجود دارد که باید پاسخ داده شود از جمله این که چگونه جامعه باید مجازات کند، و چه میزان مجازات باید در نظر گرفته شود. شیوه‌ها و اشکال مجازات و خصوصیات و ویژگی‌های آن‌ها چه هستند؟ اهداف مجازات، اشکال مجازات را نیز شکل می‌دهند. اهداف اصلی، مبانی و اشکال مجازاتی که عمدتاً در جامعه اجرا می‌گردند، معرف خصوصیات و ماهیت آن جامعه نیز می‌باشند.

راهبردها و سیاست کیفری از یک طرف تابع نظریه‌ها و تئوری‌ها می‌باشند، از طرف دیگر، واقعیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌توانند بر چگونگی شکل‌گیری برنامه‌های عملی تأثیر داشته باشند. روش‌های اعمال مجازات نامحدود و احصاء ناشدنی است. نمی‌توان تاریخ دقیقی برای مجازات و همچنین شیوه‌های اعمال و اجرای آن‌ها تعیین نمود. اما، می‌توان گفت، سابقه پیدایش مجازات‌ها به ماقبل تاریخ

برمی‌گردد. دوران باستان و نیز قرون وسطی یادآور مجازات‌های مخوف، وحشتناک و درد آوری است. هرچند منابع تاریخی زندان از بین رفته اند یا تغییر یافته و متلاشی گردیده اند. لکن، تاریخ نویسان از ویژگی‌های سیاه چال‌های بابلی و زندان بزرگ در عهد سلسله ی میانه ی پادشاهی مصریاد می‌کنند. ردپای زندان‌های عهد باستان را تنها می‌توان در ادبیات سخن وران یونانی و خطابه‌های افلاطون دید. برای مطالعه ی زندان‌های سده‌های باستان باید به متون مذهبی یهودی یعنی کتاب مقدس عهد عتیق (تورات) مراجعه کرد.

نخستین مجموعه قوانین مربوط به حدود چهار هزار سال پیش یعنی قانون حمورابی^۱ شامل مجموعه‌ای از مجازات‌ها می‌باشد که بسیاری از آن‌ها تاکنون نیز حفظ شده اند.

شیوه‌های اعمال و اجرای مجازات نیز بسیار متنوع و نامحدود می‌باشد. مجازات‌ها در قدیم عبارت بودند از: غرق کردن در رودخانه، مثله کردن، به صلیب کشیدن، به آتش انداختن، سوزاندن، قطع اعضای بدن (گوش، چشم، دست، پستان‌ها) جوشاندن زنده زنده زندانیان، آویزان کردن، شقه شقه کردن و دریدن شکم، سنگسار کردن، شلاق زدن، نوشاندن شوکران (این مجازات در مورد سقراط اجرا شد)، خفه کردن، حبس کردن، جاشویی در کشتی‌ها، تبعید و اعزام، داغ کردن، پاره کردن شکم و قصاص.

داستان غم انگیز مجازات کردن می‌داین (مخالف سیاسی) که در مقدمه کتاب مراقبت و تنبیه تالیف میشل فوکو به تفصیل شرح داده شده است، حکایت از عمق مجازات‌های مشمئز کننده و تنفرآمیز - حتی تا قبل از دوره روشنگری - دارد. در قرن بیستم، مساله ی مجازات از یک مساله ی صرف حقوق کیفری و کیفر شناسی به یک موضوع حقوق بشری تبدیل گردید. به ویژه از نیمه ی دوم قرن بیستم و تصویب اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین المللی، تغییر و چرخش مهم

1 - حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ پیش از میلاد) پادشاه بابل که به دلیل مجموعه قوانین وی که به خط میخی بر روی لوح سنگی نگاشته شده معروف است. این سنگ نبشته در ۱۹۰۲-۱۹۰۱ توسط باستان شناسان فرانسوی کشف گردید.

و اساسی در روی کرد جوامع نسبت به مجازات‌ها ایجاد شده است. به طوری که مجازات‌ها از مجازات‌های سخت و شدید به مجازات‌های نرم و ملایم تبدیل شده اند. برخی از مصادیق مجازات‌های معاصر عبارتند از: حبس به جای اعدام، جزای نقدی به جای حبس، کار به جای زندان، حبس در منزل، حبس الکترونیکی، دستور خدمات اجتماعی، دستور انجام خدمات عام المنفعه، تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط و..... چنانچه به نسل جدید مجازات‌ها در مقابل نسل سنتی و قدیمی نظری بیفکنیم، تغییر و دگرگونی بنیادی در نوع، میزان و ماهیت مجازات‌ها مشهود است. به عبارت دیگر، مجازات‌ها به سمت انسانی شدن پیش رفته اند. نسل قدیم مجازات‌ها نظیر مجازات اعدام، سنگسار کردن، قصاص (علی الخصوص قصاص عضو)، صلب و... منسوخ گردیده اند.

امروزه، مذهب به تنهایی نمی‌تواند تعیین کننده نوع، میزان و شدت مجازات‌ها باشد. در خوانش متون دینی باید تحول ایجاد شود، همانگونه که بسیاری از آموزه‌های مذهبی کنار گذاشته شده اند یا ناتوان از رویارویی با حوادث و پدیده‌های اجتماعی هستند. سیر تحول تاریخی مجازات‌ها نشان می‌دهد که ریشه‌ی اغلب مجازات‌هایی که در قوانین کیفری ایران آمده است، مجازات‌هایی هستند که قبل از میلاد مسیح، در قوانین حمورابی و قوانین هیتی‌ها بوده است. سپس این احکام در ده فرمان موسی گردآمده اند و نهایتاً در انجیل و تورات و قرآن داخل شده اند. از این رو، می‌توان گفت هیچ مجازاتی در اسلام ذاتی و اصیل نیست. مجازات باید انعطاف پذیر باشد. مجازات تابعی از زمان و مکان است. مجازات ثابت و لایتغیر نمی‌تواند وجود داشته باشد.

از جمله ویژگی‌های مجازات‌ها در دوره‌ی جدید همان گونه که پیش فوکو اظهار داشته است، توجه مجازات‌ها از جنبه‌ی جسمانی افراد به سمت تغییر روحیه و روان افراد تغییر کرده است. همین طور، مجازات‌ها از سخت و خشن به مجازات‌های نرم و ملایم تغییر جهت داده اند.^۱

۱ - در این مورد می‌توان به مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس اشاره کرد که لایحه‌ای نیز در این زمینه به مجلس شورای اسلامی در ایران ارائه گردیده است.

امروزه، بخش خصوصی و نیز جامعه نقش مهمی را در اجرای مجازات‌ها بازی می‌کنند. یکی از تحولات از اواسط دهه ی ۱۹۸۰، مشارکت بخش خصوص در روند اجرای عدالت کیفری، به ویژه مدیریت زندان‌ها بوده است. در اکثر کشورهای غربی، علی الخصوص در آمریکا و انگلیس، دخالت بخش خصوصی در مراحل مختلف فرآیند عدالت کیفری وجود دارد. دلایل اصلی خصوص سازی زندان‌ها اقتصادی است. مسائل زیادی پیرامون خصوصی سازی زندان‌ها از سوی منتقدان مطرح گردیده است. یکی از مسائل مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا مداخله بخش خصوصی در اجرای مجازات درست است یا خیر. با توجه به این اصل که تامین نظم داخلی وظیفه‌ی اصلی دولت است.

متاسفانه در ایران کتابی در زمینه کیفر و خصایص و ویژگی‌های آن کمتر به چشم می‌خورد.^۱ حتی در آموزش‌های حقوقی دانشگاهی نیز بیش تر بر جنبه‌های وقوع جرایم و ارکان و عناصر تشکیل دهنده آن‌ها توجه می‌شود و در خصوص کیفر بحث‌های اندکی مطرح می‌گردد، که متناسب با شأن و درخور توجه به این مهم نمی‌باشند. متن حاضر ترجمه ی کتاب «the meaning and nature of punishment» اثر پروفیسور دیوید شیکر از California State University, San Bernardino می‌باشد. نویسنده کتاب را در دو بخش کاملاً مرتبط تألیف کرده است. در بخش

۱ - برای اطلاع از برخی تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع کتاب به نوشته‌های زیر مراجعه کنید: «مجازات و رفا: تاریخ راه برده‌های کیفری» که در سال ۱۹۸۵ منتشر و برنده ی جایزه ی بین المللی جامعه ی بین المللی جرم شناسی گردیده است؛ «فرهنگ کنترل: جرم و نظم اجتماعی در جامعه ی معاصر» نوشته ی دیوید گارلند که در سال ۲۰۰۱ از سوی دانشگاه آکسفورد و شیکاگو منتشر شده است؛ کتاب «مطالعه‌ای پیرامون مجازات» نوشته ی دیوید گارلند و آنتونیو داف که در سال ۱۹۹۴ از سوی انتشارات آکسفورد منتشر شده است؛ «مجازات و جامعه ی مدرن: مطالعه‌ای در نظریه ی اجتماعی» که از سوی دانشگاه آکسفورد و شیکاگو در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است؛ «مراقبت و تنبیه: تولد زندان» نوشته میشل فوکو که خوشبختانه به فارسی نیز ترجمه و از سوی انتشارات نی در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است.

شایان ذکر است که منابع فوق از دیباچه ی مقاله مجازات و فناوری قدرت: اثر میشل فوکو. ذکر شده اند. این مقاله فصل ششم از کتاب مجازات و جامعه مدرن می‌باشد که به قلم اندیشمند فرهیخته دکتر رحیم نوبهار به فارسی برگردانده شده است.

نخست کتاب به بیان نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و مبانی تئوریک مجازات می‌پردازد. بخش دوم کتاب به بررسی شیوه‌ها و چگونگی اجرای مجازات‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی اختصاص دارد.

در تهیه ی اثر حاضر سعی شده تا حد امکان ترجمه با متن کتاب قرین بوده و با مقصود نویسنده نزدیک باشد. و ضمن وفاداری به نص و رعایت امانت داری به عنوان یک اصل اساسی سعی شده است آن را به شیوه‌ای روان و آسان در آورده تا برای دانشجویان و محققان قابل استفاده باشد. البته هر جا لازم بوده برای تبیین مطالب نکاتی نیز اضافه شده است.

در پایان کتاب یک واژه نامه ی تخصصی انگلیسی به فارسی به آن افزوده شده تا مراجعان محترم را در معادل یابی اصطلاحات کمک نماید. در پایان لازم است از آقایان دکتر پژمان محمدی و دکتر نورمحمد نوروزی به خاطر کمک‌های ارزشمندشان در ترجمه ی برخی از قسمت‌های دشوار کتاب سپاس گزاری نمایم.

بی شک اثر حاضر از عیب و نقص مبرا نیست. لذا انتظار می‌رود ارباب معرفت و صاحبان دانش با منت گذاردن بر این جانب پیشنهادها و انتقادهای خود را جهت بارورتر کردن و غنای علمی بخشیدن به اثر حاضر با این جانب به آدرس الکترونیکی زیر در میان بگذارند .

housein_ghaei@yahoo.com

دکتر حسین آقایی جنت مکان

عضو هیات علمی دانشگاه چمران اهواز

۱۳۸۹

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

ح	مقدمه‌ی مؤلف
ی	مقدمه‌ی مترجم
	بخش نخست - فلسفه‌ی مجازات
۳	۱- کنترل اجتماعی
۴	کنترل رسمی و غیررسمی
۹	حقوق مدنی و حقوق کیفری
۱۱	مجازات
	۲- جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین قانون و مجازات
۱۹	سازمان اجتماعی و کنترل اجتماعی
۲۲	عقلانیت رسمی
۲۳	مدل‌های حقوقی
۳۰	کارکردهای نمادین حقوق
۳۱	حفظ ارزش‌ها
۳۲	کارکرد صریح
	۳- نظریه‌ها و مبانی مجازات
۳۶	سزادهی
۴۳	بازدارندگی
۵۵	توان‌گیری
۵۹	بازپروری
۷۸	بازسازی‌گاری

۸۳	حفظ روحیه ی پیروان قانون
	۴- گرایش‌های معاصر در سیاست‌ها و برنامه‌های کیفری
۹۰	رهیافت نئو سزادهی
۹۷	رهیافت نئو فایده گرایی
۱۰۱	مباحث معاصر
۱۰۶	توان گیری گزینشی
۱۱۰	عدالت ترمیمی
۱۲۱	کیفرشناسی نوین
	بخش دوم - چگونگی مجازات
	۵- تکامل زندان
۱۴۰	جاشویی‌ها و نوانخانه‌ها
۱۴۲	تبعید و اعزام
	۶- ظهور زندامت گاه‌ها و زندان‌ها
۱۴۸	تأثیرات عصرروشن گری
۱۵۰	کواکرها و سیستم پنیلوانیایی
۱۵۵	سیستم ابورنی
۱۶۲	توسعه ی زندان
۱۶۴	کاستن از کار زندانی
۱۶۵	نقش دادگاه‌ها
۱۷۰	موسسات جمعی
۱۷۴	خرده فرهنگ‌های زندانی
۱۸۰	حبس کردن به عنوان یک سیاست
	۷- مسائل نوظهور: زندان‌های خصوصی و زندانیان زن
۱۸۳	زندان‌های خصوصی
۱۹۴	زندانیان زن

	۸- آزادی مشروط
۲۰۰	آلكساندر مكونوچى
۲۰۲	آزادى مشروط
۲۰۴	كاركردهاى سياسى
۲۰۹	نارضائى عمومى
	۹- تعليق مراقبتى ومجازات هاى بينابىن
۲۱۱	تعليق مراقبتى
۲۱۳	جان آگوستىس وتعليق مراقبتى
۲۱۴	تعليق مراقبتى مشروط
۲۱۷	گزارش هاى حضور
۲۱۸	مجازات هاى بينابىن
۲۱۹	نظارت الكترونيكى
۲۲۰	تعليق مراقبتى فشرده و اردوگاه هاى اصلاحى وتربيتى
۲۲۲	نظارت فشرده درتعليق مراقبتى
۲۲۴	بازداشت خانگى
۲۲۵	جزاى نقدى
۲۲۹	صدور دستورخدمات اجتماعى
	۱۰- مجازات اعدام
۲۳۴	پيشينه ي تاريخى
۲۳۶	مطابقت با قانون اساسى
۲۳۷	فورمن عليه جورجيا
۲۴۰	مك كلسكى عليه كمپ
۲۴۱	استدلال ها و نگرانى ها
۲۴۲	بازدارندگى
۲۴۷	فاصله ي بين صدور حكم اعدام واجراى آن

صفحه	عنوان
۲۴۹	محکومیت‌های اشتباهی
۲۵۳	مجازات اعدام برای جوانان و بیماران روانی
۲۵۶	افکار عمومی و چشم انداز بین المللی
	۱۱- مسائل خاص در اجرای مجازات
۲۶۲	مجازات‌های اجباری و قوانین سه ضربه
۲۷۳	کمیسیون‌های تعیین مجازات و دادگاه‌های جانشین
۲۷۹	تحمل آثار مجازات
۲۸۳	مجازات جرم یقه سفیدها و جرم شرکتی
۲۹۷	نتیجه گیری
۳۰۰	واژه نامه‌ی تخصصی انگلیسی - فارسی
۳۱۷	منابع

بخش نخست

فلسفه‌ی مجازات

هر جامعه‌ای کنترل اجتماعی را به نحوی بر شهروندان خود اعمال می‌کند که باعث حفظ و استقرار نظم اجتماعی گردد و این امکان را فراهم نماید که افراد زیادی با شخصیت‌ها، توانائی‌ها، دیدگاه‌ها، منافع، باورها و منافع مختلف بتوانند در کنار یک دیگر زندگی کنند. هر قدر که جوامع بزرگ‌تر، مدرن‌تر، پیچیده‌تر و متنوع‌تر می‌گردند، از حقوق کیفری به عنوان مکانیزم مهم کنترل اجتماعی [بیش‌تر] استفاده می‌گردد. با آن که برای هر کس مطلوب و پسندیده است تا از قوانین و مقرراتی که زندگی اجتماعی را تنظیم می‌کنند، داوطلبانه پیروی نماید، واقعیت این است که [برخی] افراد قوانین را نقض می‌کنند. واکنش رسمی در مقابل تخلف از قوانین، چنان چه منجر به بازداشت و محکومیت فرد گردد، به طور معمول از طریق تحمیل مجازات زندان به نحوی که در قانون کیفری مشخص شده است، صورت می‌گیرد. مجازات (که اغلب از آن به عنوان ضمانت اجرا یاد می‌شود) هدفش تحمیل درد یا رنج است (داف، ۲۰۰۱). ضمانت اجرای کیفری، جزء لاینفک حقوق کیفری است و یکی از ویژگی‌های آن به شمار می‌رود.

در نتیجه این حقیقت که جامعه آماده است تا رنج، محرومیت یا تلخ‌کامی‌های دیگر و آثار رنج‌آوری را بر اعضای خود با اعمال مجازات تحمیل نماید، مسائل حقوقی و اخلاقی مطرح می‌شود که در یک جامعه دموکراتیک که کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر از اهمیت برخوردار است، لازم است مورد بررسی قرار گیرند. ماهیت پیچیده‌ی مجازات ثابت گردیده است به نحوی که یک قاضی یا صاحب نظر حقوقی نسبت به

«غیر اخلاقی بودن آن» تعمق می‌کند (کوهن، ۱۹۹۱). یا همان گونه که کارل منیگر روانکاو از آن به عنوان «جنایت مجازات» یاد می‌کند (منیگر، ۱۹۷۲).

برخی از رشته‌ها نظیر فلسفه‌ی اخلاق، حقوق، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و جرم‌شناسی تلاش می‌کنند تا مجازات را توجیه و آن را توضیح دهند. بخش نخست کتاب حاضر که به بررسی منابع و مبانی تاریخی، نظری و فلسفی مجازات می‌پردازد، نشان از اهمیت زیاد موضوع نه تنها در مطالعات مربوط به جرم، بلکه هم‌چنین در مطالعه‌ی فرهنگ‌ها و جوامع دارد.

www.ketab.ir